

زرتشت از نظر تاگور

بقلم آقای دکتر رضا زاده شفق

استاد دانشکده ادبیات

از کامیابینهای من بود که در این اواخر دعوت شدم در جشن سده تولدشاعر ناسی هند را بیندراانات تاگور که از طرف انجمن ادبی بنگالی هند در بمبی انعقاد یافته بود شرکت نمایم و دولت ایران و وزارت فرهنگ مرا در این اقدام تشویق فرمودند . جشن مذکور روزیازدهم دیماه مصادف با اول ژانویه ۱۹۶۱ بانطق افتتاحیه جناب آقای نهرو نخست وزیر هند گشایش یافت . از مطالب مهمی که آن مرد رنج دیده خردمند اظهار داشت و در ضمیر من جا کرد یکی لزوم وحدت در سراسر هند و کار و خدمت بدون اعتراض و منفی بافی راه انداختن بود و موقع ذکر این مطلب از وجناتش پیدا میشد که از نارضابینهای نفاق آور بعضی منفی باقان منزجر است .

مطلب دوم که جلب نظر میکرد این بود که گفت با اینکه من بیشتر با گاندی کار میکردم ولی روحم بعقاید و تعلیمات تاگور نزدیکتر است و میدانیم هر دو بزرگ سعاد و آزادی هند را میخواستند نهایت اینکه میتوان گفت روش اولی توأم با متاوست و روش دومی توأم با مدارا بود .

سراسم جشن سه روز ادامه داشت و مقالات زیادی از طرف دانشمندان هندی و خارجی خوانده شد و من نیز سخنی در باب ارتباط بین افکار تاگور و عرفان ایران ایراد کردم و جشن با کمال خوبی پایان رسید و اگر انتقادی روا باشد اینست که خود دانشمندان هند برای ایراد خطابه های خود که بعضی از آنها در لغت بنگالی و بسیار مفصل بود وقت زیادی گرفتند و برای مهمانها فرصت کافی داده نشد .

چنانکه میدانیم را بیندراانات تاگور بسال ۱۳۱۱ شمسی بموجب دعوت وزارت

فرهنگ ایران بطهران آمد و موقعی که در شیراز بود من هم در مجلس انجمن ادبی طهران شرحی در باب شاعر و آثارش صحبت کردم و پس از ورودش دانشمندپارسی مأسوف علیه دینشاه ایرانی وسیله شد که بدیدار آن بزرگمرد بینا دل نایل آمدم . از من پرسید آیا هندوستان را دیده‌اید ، پس از تأملی گفتم بلی . پس چیزهایی راجع بهند اظهار داشتم یکباره تبسمی نمود و گفت معلوم میشود شما کتاب خاطرات مرا خوانده‌اید گفتم بلی اینست هندوستانی که من دیده‌ام ! همراهان من مرحوم اقبال آشتیانی و آقای حسن فرزاد بودند و تصمیم داشتیم آنچه امکان دارد کم صحبت کنیم و مجال بدهیم تا وی سخن گوید و ما استفاده کنیم . شاعر حکیم هند صحبت‌های خوب سودمندی نمود و از ایران و فرهنگ ایران ستایش فرمود . در طی صحبت موقع آن رسید ما هم پرسشی از او بعمل آوریم گفتم بنظر شما آیا دو تمدن یا فرهنگ موجود است یعنی تمدن غربی و تمدن شرقی یا یک تمدن واحد جهانی داریم ؟ در پاسخ گفت مسلماً تمدن واحد هست که تمدن بشریست و پایه و بنیان آن یکیست و اختلافات تمدن ملتها یا شرق و غرب اختلافات محلی و ظاهری است . چون موقع تودیع نزدیک شد از من پرسید تازه‌ترین کتاب او را در باب دین بشر (که یکسال پیش از آن تاریخ انتشار یافته بود) خوانده‌ام یا نه . گفتم نه . سالها گذشت تا آن کتاب را خواندم در این کتاب شاعر نظرش توجیه عالم معنوی است که بنظر من راه پی بردن بآن از ضمیر خود انسان ممکن است و درست مانند تعلیم عالی عرفانی ما که فرمود: من عرف نفسه فقد عرف ربه ما را دعوت به خود شناسی میکند .

برای رسیدن بچنین مقامی البته طی مراحل لازمست که اهم آن آزاد شدن نفس از قید خودپرستی و شهوات عالم جسمانیست، این عمل تهذب یا «موکدی» شرط شناسائی خود و پله معرفت خداست .

موضوع دوم که تا گور در کتابش مطرح میسازد همانا واحد و عالمگیر بودن حقیقت معنویست و در این بحث فصلی در باب دین قدیم ایران یعنی دین زردشتی دارد

که آنرا از ادیان جهانی و انسانی مینامد و تعلیم اخلاقی آنرا از لحاظ الزام جهاد اخلاقی در راه نیکی و کوشش برضد بدی میستاید .

تاگور مانند رهبران عرفان ما به واصل شدن نفس بمقام خلسه (Samadhi) و دیدار یا شهود حقیقت را ممکن می‌شمارد و خود از شهود خودش خبر میدهد .
مهمترین صفتی را که تاگور اثر تہذیب و عرفان آدمی میداند همانا محبت و خدمت است که شخص خودشناس خداشناس نسبت بتمام جهانیان میتواند داشته باشد .
آدم واقعی و انسان خدائی کسیست که در دلش محبت باشد و در عملش آن محبت ظاهر گردد . چه فایده از انسانی که بخورد و بخوابد یا بگوید و ببیند ولی نفعی و مہری ازو نسبت بدیگران نرسد که وجہ او در آن صہرت از وجود حیوان ہم کم ارزشتر است .

هر که را در دل نباشد عشق یار بھر او پالان و افساری بیار !
علاقہ تاگور نسبت بہ تعالیم زرتشتی پیش از تألیف کتاب «دین بشر» ہم پیدا
بوده و مقالاتی در این باب می‌نوشته است .

فصل پنجم کتاب دین بشر تحت عنوان « پیامبر » بہ زرتشت اختصاص دارد .
شاعر حکیم در باب دین زرتشت گوید کہ با ظہور آن، دین از مرحلہ افسانہ
و جادو بمرحلہ روحانیت و اخلاق معنوی درآمد . زرتشت اولین کسی بود کہ دین را
بمسیر اخلاقی انداخت و تعلیم توحید کرد و عطف اعلائی کمال انسانی را در
خیر و نیکی دانست ، او بود کہ انسان را دارای آزادی و ارادہ مختار دانست و او را از
لحاظ زندگانی اخلاقی مسؤول قرار داد .

زرتشت نخستین پیامبر بود کہ دین را از حدود تنگ محلی و قومی رها ساخت
و آنرا جهانی و انسانی نمود . خدا آفرینندہ ہمہ فرزندان آدمی است و دین آیین زندگی
روحانی ہمہ آدمیانست . «خدا ی زرتشت خدای جهان و سازندہ زمین و آسمانست و متعلق

به قومی و ملتی خاص نیست. »

بحکم زرتشت کمال مطلوب هر انسانست که با همدستی افراد نوع خود در حفظ و دفاع از نیروی نیکی و نبرد با نیروی بدی بکوشد. واقعاً این عقیده برای ما آدمیان بس مهمست که چنان ما در یک رزم همیشگی میان خیر و شر است و تنها امید مادر پیروزی اهورمزده خدای بزرگ است که باید با انتخاب راه راست و زندگانی نیکو با و یاری نمائیم .

این تعلیم دلاورانه خود سر کامیابی ایرانیان و پیروزی آنانرا در کشورستانی و بنیانگذاری دولت جهانی آشکار میسازد .

چنین فکر مبارزه اخلاقی در اشعار قدیم هند وجود داشت که زرتشت نخستین پیامبر آن محسوب است . پیداست این جنگ میان نیک و بد اول باید در نهاد خود ما آغاز کند و بدی و زشتی را در خویشتن نابود سازیم . این جنگ خود خواهانه و زور آوارانه نیست بلکه جنگ برای حق و براه خدا است که روان ما را از طریق ریاضت تهذیب کند و ما را بمقام وحدت روحانی و معراج آسمانی برساند . در پایان این مقال شاعر بلند پایه هند چنین فرماید :

«زرتشت سرود یگانگی میخواند و مرا که خود شاعر و سرود سازم بی اختیار بسوی نغمه آسمانی خود جلب میکند . اگر در اثر چنین نغمه یگانگی دورود افکار و آمل مغرب و مشرق در اقیانوس وحدت با هم یکی گردند و هماهنگی اساسی بحصول پیوند روان من شاد خواهد گشت .

در عالم مادی مردم شمال و جاه با هم اختلاف دارند و سیستیزند و افسوس برخی آن گونه اختلاف و ستیزگی را بعالم

روحانی هم می‌برند و حقیقت را هم تملک میکنند . آیا درست است که یک چینی بخواهد آفتاب را به عذر اینکه اول در آنجا طلوع میکند تملک کند ؟

از من بپرسید . من سر بلندم از اینکه می‌توانم دریابم که نیکان جمله جهان در اصول همدل و همدستانند و بر آنانست که ستیزگیهای کوچک سطحی بشر را از میان بردارند و خارهای نفاق را ریشه کن کنند و آدمیان را بگلزار وحدت برسانند .»

نکنه ای که در این موقع میتوان بملاحظات شاعر حکیم هندی افزود اینست که روح توحید و فکر وحدت و نظر جهانی ایرانی با ظهور دین اسلام بیشتر تقویت شد ، زیرا در آن دین موضوع اینکه خدای عالمیان پروردگار همه جهانیانست و حق تمام ادیان آسمانی ملحوظ و محترم است بوضوح و تأکید بیان گشت و فرمان صریح صادر شد که تمام اقوام و ملل در نظر خدای یکتا یکسانند و جملگی مأمورند بحال هم آشنایی پیدا کنند و در راه نیکی همکاری نمایند و تنها امتیازی که میان آنهاست امتیاز فضیلت و تنواست .

رتال جامع علوم انسانی

نیروی روح ایرانی و حقایق دین زرتشت و دین مقدس اسلام بود که این تعالیم جهانشمول را بار دیگر در فلسفه عرفان ایران به زیباترین و لطیفترین شکلی جلوه داد و گوشنوازترین نغمه وحدت را بنوا درآورد .